

موضوع صحبت آگاه شوند .
 ۷ - پیش از پایان صحبت‌های مخاطب ناشنوی خود ، شروع به صحبت نکنید .
 ۸ - صبر داشته باشید. لب خوانی امر مشکلی است ، مشکل آنان را درک کنید.
 ۹ - شمرده و واضح صحبت کنید اما فریاد نزنید .
 در آخر بیایید، دستهایم منتظر و قلبم امیدوار است. پس بیایید .

امیر میلانی
 عضو کانون ناشنوایان خراسان رضوی

فامیلی می باشند .
 ۲ - نزدیک به یک میلیون نفر معلول ناشنوا در کشور وجود دارد.
 ۳ - کودک یا فرد ناشنوا را تشویق کنید که برای شنیدن از باقیمانده شنوایی خود با کمک سمعک استفاده کند .
 ۴ - یک میلیون ناشنوا از امکانات تحصیلات عالی در کشور محرومند .
 ۵ - گفتار ، حق مسلم هر شخص از جمله کودک یا فرد ناشنوا است .
 ۶ - هیچ وقت نگوئید (هیچی!) ، (چیزی نبود) ، افراد ناشنوا معمولاً در ارتباطات دچار مشکل اند و از گفتگوی جمعی کنار گذاشته می شوند ، اما تمایل دارند از

مادرها جگر گوشه خود را در صورت معلول بودن مانند یک تکه سنگ طرد می کنند و نمی دانند، یا نمی خواهند بدانند بر سر او چه خواهد آمد؟ وقتی احساس پدر و مادر این است از دیگران چه توقعی می توان داشت؟ اگر جواب منفی است پس چرا ازدواج با معلولین را نمی پذیرند هر چند از موقعیت اجتماعی خوب برخوردار باشند. به امید روزی که افراد جامعه عواطف و احساسات معلولین را درک کرده و آنان را در کنار خود پذیرا باشند .
 درخامنه نباید این نکات مهم را از نظر دور داشت :
 ۱- کودکان ناشنوا، فدا شدگان ازدواجهای

مختصری درباره آموزش و پرورش ناشنوایان در ایران در سال ۱۳۵۵-۱۳۰۴ شمسی



نوشته : ثمینه باغچه بان (پیرنظر)
 پایه گذار آموزش و پرورش ناشنوایان در ایران جبار باغچه بان (میرزا جبار عسگرزاده) است.
 باغچه بان در سال ۱۳۰۳ شمسی در شهر تبریز کودکستان "باغچه اطفال" را تاسیس کرد. در سال ۱۳۰۴ و تصادفاً در این کودکستان سه پسر ناشنوا همراه خواهران و برادران شنوای خود نام نویسی کردند.
 باغچه بان از مشاهده تنهایی و بی زبانی این کودکان سخت متأثر شد و با وجود اینکه در زمینه آموزش ناشنوایان تحصیلات و یا سابقه ای نداشت تصمیم گرفت که به طریقی به این کودکان حرف زدن بیاموزد.

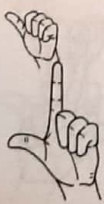
این تصمیم او، در آن زمان و مکان موجی از مسخره و حتی خشم و تهمت برانگیخت. ولی او از پای ننشست. علیرغم زمینه بسیار نامساعد و مخرب به کوشش خود ادامه داد. باغچه بان در جستجوی یافتن راهی به ویژگیهای مخارج حروف بی برد و دریافت که اصوات زبان به دو گروه عمده تنفسی و آوایی تقسیم می شوند و می توان با استفاده از حس لامسه و بینایی به ناشنوایان حرف زدن و لب خوانی آموخت. بر پایه این دانش، برای آسان کردن کار زبان آموزی ، اصلاح تلفظ و لب خوانی یک الفبای دستی ایجاد

خود در جهان بی نظیر است زیرا گذشته از اینکه تا حد امکان وبه مقدار زیادی با مشکل حروف الفبای فارسی مطابقت دارد؛ نمایش دهنده کیفیت و چگونگی تلفظ هر حرف از نظر فونیک است وازاین رونه تنها وسیله ای ارزنده برای آموزش و اصلاح تلفظ بلکه درگاه لب خوانی مدد بزرگی برای ناشنوایان است.
 باغچه بان با توجه به دشواری تشخیص

کرد. باغچه بان در مورد این الفبای دستی چنین می گوید:

**زاندیشه برای خود رهی یافته ام
 نقش دگری را به ره انداخته ام
 از چشم برای دیدن چهره صوت
 با دست هنر آینه ای ساخته ام**

الفبای دستی باغچه بان هنوز در نوع



تا سیزده سالگی امکان ورود به مدرسه یا کلاس ویژه را نداشته اند.

ناشنوایان خرد سال ، دوران گاهوارگی

به این گروه خدمات زیر ارائه می شد :

- آغاز هر چه زودتر برنامه های زبان آموزی و تربیت شنوایی که این کار از راه تشخیص هر چه زودتر و تجویز سمعک مناسب و دادن سمعک رایگان و تربیت مادران و پدران جوان برای آموزش زبان و لبخوانی و الفبای دستی و زبان اشاره در خانه به کودکان خردسالشان انجام می گرفت . از سال ۱۳۵۳ بخش پژوهشی سازمان رفاه ناشنوایان با توجه به اهمیت و لزوم یک زبان اشاره عمومی خانم جولیا سمیعی با همکاری ناشنوایان با سواد و بی سواد برای استاندارد کردن اشاره های موجود جلسات بسیار تشکیل داد و بالاخره در سال ۱۳۵۹ نخستین جلد فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنوایان به چاپ رسید و برنامه ویژه ناشنوایان که شامل اخبار داخلی و خارجی نیز می شد با بهره گیری از زبان اشاره در تلویزیون پخش گردید . این کوشش هنوز ادامه دارد. پس از ایجاد زبان اشاره فارسی کتابهای شعر و داستان برای کودکان ناشنوا قبل از سنین دبستانی با اشارات زبان اشاره تهیه شده به چاپ رسید . در سال ۱۳۵۵ دویست و چهار نفر ناشنوی بزرگسال در مراکز ویژه ناشنوایان در تهران و پنج شهرستان عمده مشغول سواد آموزی و حرفه آموزی بوده اند .

۱۳۴۳) را می توان نام برد.

در سال ۱۳۴۷ شمسی با تأسیس دفتر کودکان استثنائی وابسته به وزارت آموزش و پرورش گسترشی بزرگ در کار ترتیب معلم ، برنامه ریزی ، تأسیس کلاسها و مدارس ویژه کودکان ناشنوا، نابینا، تیز هوشان، و عقب افتادگان ذهنی در سطح کشور حاصل شد. خدمات این دفتر محدود به کودکان بین سنین شش تا دوازده سالگی بود.

طبق گزارشی این دفتر در آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۴ در نود نقطه از کشور کلاسهای ویژه برای چهار گروه کودکان استثنائی فوق تأسیس یافته بود.

در سال ۱۳۵۰ سازمان ملی رفاه ناشنوایان وابسته به وزارت کار در تهران تأسیس شد. و در سال ۱۳۵۳ پس از تأسیس وزارت رفاه اجتماعی وابسته به این وزارتخانه شد هدف این سازمان علاوه بر فراهم ساختن خدمات اجتماعی و رفاهی و کاربابی و بیمه ای و پزشکی برای ناشنوایان بزرگسال و خانواده ناشنوایان گسترش امکان آموزش و پرورش برای دو گروه زیر بود که تا این زمان زیر پوشش هیچ یک از خدمات دولتی و غیر دولتی قرار نگرفته بود ند .

ناشنوایان بزرگسال بالاتر از سیزده سالگی

به این گروه خدمات زیر ارائه می شد :

- ایجاد امکان ادامه تحصیلات عالی در دانشگاهها و هنرستانهای عالی از طریق فراهم ساختن خدمات رابط ناشنوایان - سواد آموزی به ناشنوایان بزرگسال که

حروف متحد المخرج درگاه لبخوانی از آغاز برای آموزش ناشنوایان ، روش شفاهی (یعنی حرف زدن و لبخوانی) را توأم با الفبای دستی انتخاب کرده بود. در بهار سال ۱۳۰۵ در جلسه ای که در حضور عده کثیری از فرهنگیان و مردم تبریز تشکیل شد برای نخستین بار سه کودک ناشنوا به حضار خیر مقدم گفتند و امتحان خواندن و نوشتن و حرف زدن دادند که موجب اعجاب و تحسین همگانی شد و تهمت سود جوئی و شارلاتانی از دامن پاک باغچه بان زدوده شد.

در این سال به عمل گرفتاریهای گوناگون باغچه بان ناچار از سفر به شیراز شد. در آنجا "کودکستان شیراز" را تأسیس کرد. در سال ۱۳۱۱ باز ناچار کودکستان شیراز را ترک کرد و به تهران رفت و در این شهر بار دیگر آموزش ناشنوایان را در کنج مطب یکی از دوستان آغاز کرد و تا پایان عمر در راه بهبود روش آموزش ناشنوایان و گسترش خدمات رفاهی آنها و معرفی ناشنوایان به عنوان گروهی از مردم که قابلیت آموزش هر حرفه هنر و دانشی را دارند کوشید. باغچه بان برای نیل به اهداف خود مدرسه اش را با رنج، کوشش و گذشت بسیار گسترش داد ، برنامه تربیت معلم اجرا کرد، کتابهای ویژه برای ناشنوایان و معلمان ناشنوایان نوشت ، وسایل آموزشی بسیار ساخت، سمعک استخوانی یا تلفن گنگ را در سال ۱۳۱۳ اختراع کرد و به ثبت رسانید و در سال ۱۳۲۲ جمعیت حمایت کودکان کرولال و در سال ۱۳۲۷ کانون کرولالها را تأسیس کرد. باغچه بان در چهارم آذرماه سال ۱۳۴۵ شمسی در مدرسه خود ، که محل زندگی اش نیز بود جهان را با دلی شاد و آسوده بدرود گفت.....

از سال ۱۳۳۵ به بعد، رفته رفته در تهران و شهرستانها کلاسها و مدارس دیگری برای ناشنوایان توسط معلمان علاقمند ایجاد شد؛ که از جمله دبستان گلبدی در اصفهان (در سال ۱۳۳۵) برای ناشنوایان و سپس آموزشگاه استثنائی اصولی در تبریز، دولتی (در سال ۱۳۳۷) برای ناشنوایان، نابینایان و عقب ماندگان ذهنی و مدرسه راهنمایی و هنرستان حرفه ای نظام مافی در تهران (در سال

